

## بررسی برخی از ویژگی‌های اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خلال شش دوره‌ی قانونگذاری

محمود کتابی\*، وحید قاسمی\* و رضا معصومی\*\*

\*گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

\*\*کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علمی-کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

مجلس شورای اسلامی در آستانه پایان ششمین دوره‌ی قانونگذاری خود قرار دارد. مجلس در این دوره نیز قوانینی را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به تصویب رسانده است که سرنوشت جامعه‌ی ما را تا به امروز رقم زده است. بدیهی است شرح کامل و بررسی و تجزیه تحلیل تمامی اقدامات و ویژگی‌های گوناگون مجلس از گنجایش این مقاله خارج است.

هدف مقاله‌ی حاضر بررسی وضعیت نمایندگان از لحاظ سنی، جنسی، تحصیلی و سابقه‌ی نمایندگی، از دوره‌ی اول تا پایان دوره‌ی ششم است. همچنین مطالعه‌ی میزان تحرک اجتماعی صورت گرفته در خلال دوره‌های مختلف، شناسایی نمایندگان جدیدی که در هر دوره برای اولین بار به مجلس راه یافته‌اند و ویژگی‌های اجتماعی متمایزی که سبب انتخاب آنها شده است، از

هدفهای مقاله‌ی حاضر به شمار می‌آید. از این طریق میتوان به روند تغییر سلیقه و نگرش‌های مردم در نقش رأی دهنده و انتخاب کننده پی برد و احتمالاً ترکیب نیروها و شخصیت‌هایی را که در دوره‌های بعدی به مجلس راه خواهند یافت را میتوان پیش بینی کرد.

**واژه‌های کلیدی:** مجلس شورای اسلامی، نمایندگان، ویژگیهای اجتماعی، انتخابات، طبقه اجتماعی، تحرک اجتماعی.

### مقدمه

مجلس شورای اسلامی یکی از مهمترین نهادهای سیاسی و یکی از زیباترین جلوه‌های مردم سالاری در نظام جمهوری اسلامی است.

مجلس شورای اسلامی از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون شش دوره قانونگذاری را پشت سر گذاشته و طی این مدت قوانینی را به تصویب رسانده که هر کدام به نوبه‌ی خود حساس، سرنوشت ساز و در اداره‌ی امور کشور راهگشا بوده است.

بدیهی است که قانونگذاری درست و خردمندانه مستلزم آن است که نمایندگان شایسته، باتقوی، آگاه و متخصص در همه‌ی زمینه‌ها و رشته‌های تخصصی، برآمده از تمامی گروهها، اقوام، قشرها و طبقات جامعه و در برگیرنده‌ی تمامی سلیقه‌ها و گرایشها، در این نهاد مهم گرد هم جمع شوند، تمام وقتی را که مجلس به آن نیاز دارد صرف کنند و علاوه بر حضور مرتب و مؤثر در جلسات علنی و غیرعلنی مجلس و کمیسیونهای اختصاصی آن و همچنین حضور در حوزه‌های انتخابیه‌ی خود و ارتباط با موکلین و...، زمانی را هم به مطالعه و تفکر و مشورت با کارشناسان آگاه و با فضیلت اختصاص دهند.

در این مقاله ابتدا به تاریخچه‌ی و شرح مختصری از وضعیت ایران قبل از انقلاب مشروطیت و عواملی که باعث پیروزی انقلاب مشروطیت گردید، پرداخته می‌شود و سپس به پیامدهای انقلاب مشروطیت مانند تدوین قانون انتخابات مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی و تغییر و تحولات آن و همچنین به گروهها، اصناف و طبقات اجتماعی که طی دوره‌های مختلف به مجلس راه یافته‌اند، اشاره می‌گردد. در بخش‌های بعدی نمایندگان شش دوره‌ی مجلس شورای اسلامی از نظر توزیع سنی، جنسی، تحصیلی، سابقه‌ی نمایندگی و... مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

نخستین بار وقتی جهان به گونه‌ای آشکار میان شرق و غرب تقسیم شد، این تقسیم بندی در سیمای یونان و ایران به نمایش گذاشته شد. این دو جامعه از ابعاد گوناگون با یکدیگر تفاوت داشتند، اما تفاوت اصلی در یک واقعیت بنیادین نهفته بود: در یونان، قانون بعنوان یک چارچوب، حقوق دولت و جامعه را تعیین و تعریف می کرد و برای استقلال شهروندان و طبقات حاکم توجیهی رسمی، دیرپا و اساساً غیر قابل نقض بدست می داد. برای نمونه نمی شد بدون توسل به رویه‌های جا افتاده‌ای که زیر پا گذاشتن آنها غیرقانونی بود، رسماً به جان، آزادی و مال شهروندان تعرض کرد و حکام بیشتر اوقات از خطر کشته شدن و برکناری بوسیله افرادی که موفق می شدند قدرت را به چنگ آورند، درامان بودند. اینان فقط در صورتی که مشروعیت حکومت شان مورد تردید جدی قرار می گرفت، در معرض خلع و حتی نابودی قرار می گرفتند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۵).

اما در ایران تا انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ هـ.ش) قانون مدونی بوجود نیامده بود و سلاطین و حکام با قدرت مطلق حکومت می کردند و خود را صاحب جان، مال و ناموس مردم می دانستند. از این رو ظلم و ستم، اعطای امتیازها به بیگانگان، تبعیض، رشوه، فساد، فقر و بیچارگی و بی قانونی رواج داشت و مردم به خصوص قشرهای آگاه جامعه را به تنگ آورده بود. در این میان قانون خواهی (قانونی که روابط حاکمان با توده‌ها را منظم کند) و حاکمیت مشروط بعنوان آمال ملی جلوه گر شد و سبب بیداری و خیزش مردم گردید. عواملی که باعث بیداری مردم ایران شد عبارتند از:

۱- رفت و آمدهایی که بین ایرانیان و اروپاییان صورت گرفت آنان را با تمدن نوظهور و نیرومند غرب آشنا کرد و آنها دریافتند که راز و رمز اساسی پیشرفت غرب حاکمیت قانون است.

۲- جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در بسیاری از نقاط جهان آغاز شده بود و ایران با موقعیت ممتاز جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی نمی توانست در انزوا بماند.

۳- حرکت‌های مشروطه خواهی، ملت گرایی و استقلال طلبی در اروپای نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم به اوج خود رسیده بود و ایران نمی توانست از این جنبش‌ها، حرکت‌ها و پیامدهای آن دور بماند.

۴- روحانیون، وعاظ مشروطه خواه، روشنفکران و تعدادی از تحصیل کردگان ایرانی که در خارج بویژه در اروپا تربیت شده بودند، در پیدایش و گسترش افکار مشروطه خواهی و بیداری ایرانیان، تأثیر بسزایی داشتند.

۵- جراید و مطبوعات که در این دوره (عمدتاً در خارج از کشور)، به زبان فارسی منتشر می شدند.

۶- ایجاد مدارس به سبک جدید و تدریس علوم جدید.

۷- فعالیتهای انجمن‌های مخفی.

تمام عوامل یاد شده در بروز و در نهایت پیروزی انقلاب مشروطیت مؤثر واقع گردید (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۱).

پیروزی انقلاب مشروطیت پیامدهای زیادی بدنبال داشت: تغییر رژیم سلطنتی استبدادی به رژیم مشروطه، تشکیل قوه مقننه و مجلس شورای ملی، تدوین قانون انتخابات و تأسیس مجلس شورای ملی از مهمترین پیامدهای آن به شمار می‌آید.

قانون انتخابات سه بار تغییر کرد. قانون اول با سرعت تدوین شد و چون ابهامها و نارسایی‌هایی داشت، تغییر داده شد. قانون دوم در دوره‌ی فترت میان مجلس اول و دوم، هنگامی که قوای ملیون بر شاه فایق آمد، بوسیله‌ی دولت و انجمن تبریز (که از سایر انجمن‌های سراسر کشور اجازه داشت) تدوین شد. این قانون نیز چون با عجله و تحت شرایط سخت جنگ تهیه شد، رضایت بخش نبود و در هنگام انتخابات مجلس دوم نقایص آن بروز کرد و در این دوره برای بار سوم تغییر داده شد (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۶).

در قانون اول انتخابات، شرایط مالی که برای انتخاب کنندگان منظور شده بود، اقشار پایین جامعه را از حق رأی محروم می‌کرد. این قانون برای نمایندگان نیز شرایط مالی قایل شده بود و میتوان گفت که انتخابات دوره‌ی اول طبقاتی بود. پایین‌ترین طبقه‌ای که وارد مجلس شد، طبقه اصناف بود که ۲۶٪ و کلارا تشکیل می‌داد. در قانون دوم انتخابات که در دوره‌ی استبداد صغیر تدوین شده بود جنبه‌ی صنفی انتخابات منتفی شد و از شرایط مالی انتخاب کنندگان نیز تا حدی کاسته شد. به ایلات بزرگ هر کدام یک نماینده اختصاص یافت و به اقلیت‌های مذهبی نیز حق انتخاب و کلای خودشان داده شد. در مجلس دوره‌ی دوم، قانون انتخابات به گونه‌ای اساسی تغییر کرد، و تمام شرایط مالی و تحصیلی برای انتخاب کنندگان ملغی شد. این اقدام به ظاهر بسیار دمکراتیک می‌نمود ولی نتیجه‌ی معکوس داد، به گونه‌ای که در دوره‌های سوم و چهارم به ترتیب ۴۹ و ۴۵ درصد کرسی‌های مجلس به ثروتمندان و مالکان تعلق گرفت و با اینکه بارها در مجلس گفته شد که و کلانمایندگان تمامی اقشار جامعه هستند و دمکرات‌ها خود را حامی توده‌های فقیر و زحمتکش قلمداد کردند، به استثنای مجلس اول که نمایندگان اصناف هم در آن حضور داشتند، در این ادوار، هیچ گاه نماینده‌ای از قشر پایین جامعه وارد مجلس نشد (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۵۹ و ۵۸).

علیرغم اینکه در هر دوره‌ی مجلس عده‌ای از نمایندگان دوره‌های قبل دوباره انتخاب می‌شدند (برای مثال در دوره‌های دوم تا پنجم بطور متوسط ۲۴٪ از نمایندگان دوره‌های قبلی حضور داشتند) ولی اکثر و کلاً از اصول پارلمانی و حکومت مشروطه بی‌اطلاع و بی‌تجربه بودند و بنابراین، بسیاری از امور مملکتی دستخوش هرج و مرج شده بود و به سامان نمی‌رسید. دوره‌های طولانی تعطیلی و فترت نیز مزید بر علت شد و باعث گردید که این نهاد مهم در کشور ما از کارآیی چندانی برخوردار نباشد (در طول مدت ۱۷ سال یعنی از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۲ هـ.ق که یکی از حساس‌ترین و پرماجرترین دوره‌های تاریخ معاصر کشور ایران است، مجلس شورای ملی فقط ۷ سال برقرار بود). به جز چند دوره‌ی محدود (برای مثال دوره‌های اول تا پنجم و دوره‌های پانزدهم و بخصوص دوره‌ی شانزدهم) مجلس در ایران به هیچ وجه نماینده‌ی توده‌ی مردم نبود، با این وجود مجلس از جانب ملت سخن می‌گفت و مظهر استقلال ایران بشمار می‌آمد، به همین جهت، مورد حمایت قشرهای مختلف جامعه قرار داشت و تقریباً تمامی قشرهای جامعه همراه با تحصیلکردگان، روشنفکران و وابسته به گرایش‌های متفاوت، علما و... به آن اعتقاد داشتند و از آن حمایت می‌کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هـ.ش، تحولات عمیقی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران بوجود آمد و نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ارزشی جامعه دگرگون شد. بدین ترتیب، دیگر ارگانها، نهادها و ساختهای نظام قدیم نمی‌توانست جایگاه خود را در ایران حفظ کند، زیرا اصولاً ماهیت و حقیقت این بنیادها و نهادها با هدفها و آرمان انقلاب در تضاد بود و لزوم ایجاد دگرگونی و تحول در ارگانها و نهادهای یاد شده بدیهی می‌نمود. یکی از نهادهای مهم سیاسی، مجلس شورا بود که می‌بایستی به معنای واقعی کلمه «خانه‌ی ملت» باشد. بنابراین، ضرورت داشت که شکل و ماهیت قوه مقننه بطور اعم و مجلس شورا بطور اخص تغییر می‌یافت و این امر منوط به تدوین قانون جدید انتخابات بود. اما تا تدوین اولین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، چهار انتخابات مهم انجام شد: همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، انتخابات اولین دوره‌ی ریاست جمهوری. این چهار انتخاب، مردم را برای انتخابات مجلس شورای اسلامی آماده ساخت (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۶۴).

اولین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی توسط شورای انقلاب اسلامی که از روحیه‌ی مذهبی و اسلامی بالایی برخوردار و یکی از ساختارهای بسیار مهم سیاسی در آن زمان بود،

تدوین شد که دارای ۸ فصل (شامل: کلیات، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، هیأت اجرایی، اعلام داوطلبی و...)، ۶۱ ماده و ۱۶ تبصره بود.

اولین مرحله‌ی انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، طبق قانون در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۸ هـ ش انجام گرفت.

مجلس شورای اسلامی نیز در دوره‌ی اول و بعد از تشکیل شورای نگهبان، چندین بار قانون انتخابات را تغییر داد. در دوره‌های بعد، مجلس شورای اسلامی، تغییرات متعددی در قانون مذکور اعمال کرد که مهمترین آنها قانون «اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»، مصوب ۱۳۷۴/۵/۴ است که «نظارت استصوابی شورای نگهبان» به آن منضم شد.

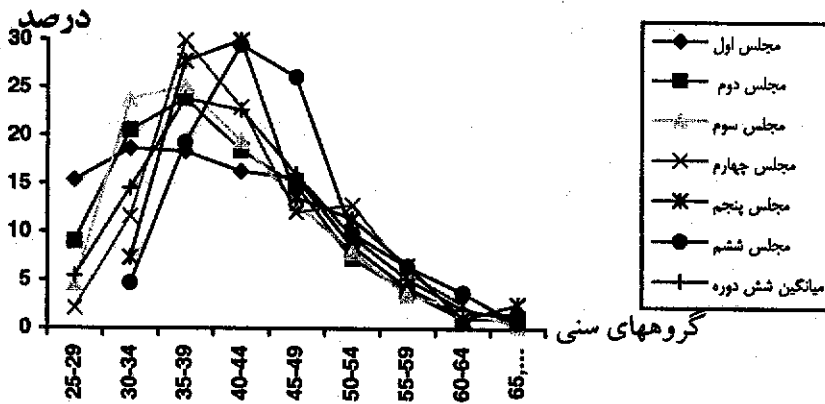
به منظور بررسی ویژگیها و خصوصیات دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی و دستیابی به هدفهای تعیین شده برای مقاله، ابتدا توزیع سنی، جنسی، تحصیلی و سابقه‌ی نمایندگی نمایندگان، در قالب جدولهای جداگانه مشخص می‌شود، براساس جدولهای مذکور نمودار آماری رسم می‌گردد و سپس به توصیف و تحلیل هر یک پرداخته می‌شود.

## توزیع سنی نمایندگان شش دوره‌ی مجلس شورای اسلامی

جدول شماره ۱: توزیع سنی نمایندگان ادوار ششگانه در مجلس شورای اسلامی

گروه‌های سنی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع کل
۲۵-۲۹ درصد	۵۰ ۱۵/۳	۲۵ ۹	۱۳ ۴/۶	۶ ۲/۱	۰	۰	۹۴ (۵/۴)
۳۰-۳۴ درصد	۶۱ ۱۸/۶	۵۷ ۲۰/۵	۶۶ ۲۳/۷	۳۲ ۱۱/۶	۲۰ ۷/۳	۱۴ ۴/۷	۲۵۰ (۱۴/۵)
۳۵-۳۹ درصد	۶۰ ۱۸/۳	۶۶ ۲۳/۸	۷۰ ۲۵/۱	۸۲ ۲۹/۹	۷۶ ۲۷/۷	۵۷ ۱۹/۲	۴۱۱ (۲۳/۸)
۴۰-۴۴ درصد	۵۳ ۱۶/۲	۵۱ ۱۸/۴	۵۴ ۱۹/۴	۶۳ ۲۹/۹	۸۲ ۲۹/۹	۸۷ ۲۹/۴	۳۹۰ (۲۲/۶)
۴۵-۴۹ درصد	۵۱ ۱۵/۵	۴۱ ۱۴/۸	۳۶ ۱۲/۹	۳۳ ۱۲	۳۷ ۱۳/۵	۷۷ ۲۶	۲۷۵ (۱۵/۹)
۵۰-۵۴ درصد	۲۸ ۸/۵	۲۰ ۷/۲	۲۲ ۷/۹	۳۵ ۱۲/۷	۳۱ ۱۱/۳	۲۹ ۹/۸	۱۶۵ (۹/۵)
۵۵-۵۹ درصد	۱۴ ۴/۲	۱۱ ۳/۹	۱۰ ۳/۵	۱۶ ۵/۸	۱۸ ۶/۵	۱۹ ۶/۴	۸۸ (۵/۱)
۶۰-۶۴ درصد	۵ ۱/۵	۳ ۱	۶ ۲/۱	۷ ۲/۵	۳ ۱	۱۱ ۳/۷	۳۵ (۲)
۶۵ و بالاتر درصد	۵ ۱/۵	۳ ۱	۱ ۰/۳	۰ -	۷ ۲/۵	۲ ۰/۶	۱۸ (۱)
جمع	۳۲۷	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۴	۲۷۴	۲۹۶	۱۷۲۶

۱- جدول شماره یک و نمودار مربوط با استفاده از آمار و ارقام موجود در کتاب: معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی (مجموعه شش جلدی) (۱۳۸۲ و ۱۳۷۸ و ۱۳۶۸ و ۱۳۶۴)، روابط عمومی مجلس تهیه شده است.



با مشاهده جدول شماره‌ی یک و نمودارهای مربوطه نتایج زیر استنباط می‌شود:

الف- بیشترین تعداد (مد یا نما) نمایندگان در مجلس اول در گروه سنی ۳۴-۳۰ قرار دارند و این در حالی است که در مجلس دوم، سوم و چهارم، نما در گروه سنی ۳۹-۳۵ سال و در مجلس پنجم و ششم در گروه سنی ۴۴-۴۰ سال قرار می‌گیرد. بعبارت دیگر تفاوت «نما» در مجلس اول تا مجلس ششم ده سال است.

ب- گروه سنی ۲۹-۲۵ سال در طی شش دوره‌ی مجلس بشدت کاهش یافته است، به طوری که از ۵۰ نفر در مجلس اول، در مجلس دوم به ۲۵ نفر یا نصف رسید. این روند کاهش در مجلس سوم و چهارم نیز ادامه یافت و سرانجام رقم مربوط در مجلس پنجم و ششم به صفر رسید.

ج- از تعداد نمایندگان مجلس که در گروههای سنی کمتر از ۳۵ سال و بیشتر از ۶۵ سال قرار داشتند، طی این شش دوره بتدریج کاسته شده است. بطوری که این میزان از ۳۵/۴ درصد در مجلس اول به ۵/۳ درصد در مجلس ششم رسیده است و این به معنای منطقی تر و عقلانی تر شدن فضای مجلس است، زیرا گروههای سنی زیر ۳۵ سال، به علت بهره مندی از تجربه کمتر و شور و هیجان بیشتر، در تصمیم گیریهای مهم، کمتر جانب عقل و منطق و کیفیت فضای حاکم بر کشور، منطقه و جهان را در نظر می‌گیرند، احساساتی تر و رادیکال تر عمل می‌کنند و از طرف دیگر، گروههای سنی بالاتر از ۶۵ سال نیز به علت کاهش قوای جسمانی، در مقایسه با جوانان و میانسالان، در انجام وظایف خطیر نمایندگی (حضور مرتب در جلسات علنی و غیر علنی، حضور در کمیسیونهای مربوط، حضور مرتب در حوزه‌های انتخابیه و...) از توانایی و قدرت جسمانی کمتری برخوردارند. مجموعه‌ی این عوامل سبب می‌شود تا در لحظات حساس که کشور به اخذ تصمیمات ضروری و مهمی



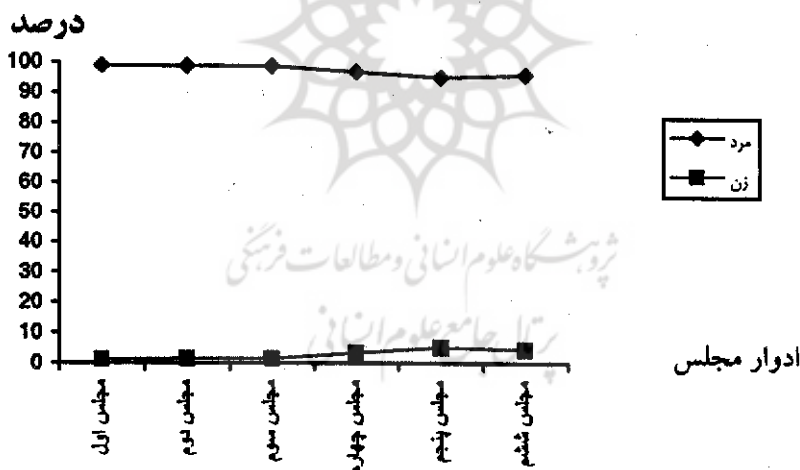
نیاز دارد، این مهم به خوبی انجام نگیرد (بندی است در این میان «سن» تنها عامل مهم در تصمیم‌گیریها نیست، ولی در هر حال بعنوان یک عامل با اهمیت محسوب می‌شود).

### توزیع جنسی

جدول شماره دو توزیع جنسی نمایندگان را در خلال شش دوره‌ی مجلس نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲ و نمودار توزیع جنسی نمایندگان شش دوره مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

دوره‌های مجلس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع کل
جنس مرد	۳۲۳	۲۷۳	۲۷۴	۲۶۵	۲۶۰	۲۸۳	۱۶۷۸
درصد	۹۸/۸	۹۸/۶	۹۸/۶	۹۶/۷	۹۴/۹	۹۵/۶	(۹۷/۲)
جنس زن	۴	۴	۴	۹	۱۴	۱۳	۴۸
درصد	۱/۲	۱/۴	۱/۴	۳/۳	۵/۱	۴/۴	(۲/۸)



با توجه به جدول شماره دو و نمودار مربوط، مشاهده می‌شود که میزان مشارکت زنان بعنوان نماینده‌ی مجلس در نظام سیاسی کشور طی سه دوره‌ی اول و دوم و سوم مجلس بسیار کم و تقریباً ثابت بوده است و از مجلس چهارم به بعد این میزان ۳/۵ برابر افزایش یافته است.

۱- جدول شماره دو و نمودار با استفاده از آمار و ارقام موجود در کتاب: معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی (مجموعه شش جلدی) (۱۳۸۲ و ۱۳۷۸ و ۱۳۶۸ و ۱۳۶۴)، روابط عمومی مجلس تهیه شده است.

قانون شرکت زنان در انتخابات مجلس برای اولین بار در ایران، توسط مجلس دوره ی بیست و یکم در تاریخ ۱۳۴۳/۲/۱۰ هـ ش به تصویب رسید. مطابق با این قانون بانوان بعد از ۵۸ سال که از تدوین قانون انتخابات مجلس شورای ملی می گذشت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار شدند (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۶۵).

مطابق با اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی). با وجود این، شواهد نشان می دهد (جدول شماره ۲) که زنان از این حق سیاسی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی به گونه ای عادلانه بهره نبرده اند.

به نظر می رسد که «بالا رفتن هزینه های مشارکت سیاسی و کاهش پاداش های ناشی از این نوع رفتار بر میزان مشارکت سیاسی آنها تأثیر گذار بوده است (کتابی و قاسمی؛ ۱۳۸۱: ۱۹). البته تأثیر متغیرهای دیگر از جمله ساخت خانواده (به لحاظ توزیع قدرت) و شیوه ی تربیت فرزند در این نهاد را بر نوع رفتارهای سیاسی افراد و مشارکت سیاسی آنان در بزرگسالی، نمی توان نادیده انگاشت (کتابی و قاسمی؛ ۲۰۱۳۸۱: ۲۰).

به طور کلی باید اذعان کرد زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، در دوران معاصر، به رغم حضور در صحنه های مختلف (همچون راهپیماییها و تظاهرات قبل و بعد از انقلاب اسلامی، حضور فعال در پشت جبهه های جنگ تحمیلی و تشویق فرزندان و همسران خود به شرکت در این جنگ، مشارکت چشمگیر در انتخابات متعدد پس از انقلاب و...) بهره مناسبی از سمت ها و موقعیت های سیاسی نداشته اند.

### توزیع نمایندگان از نظر مدارک تحصیلی

نمایندگان مجلس را از نظر دارا بودن مدارک تحصیلی و علمی و به لحاظ تفاوت های اساسی که میان شان وجود دارد، می توان به دو دسته تقسیم کرد:

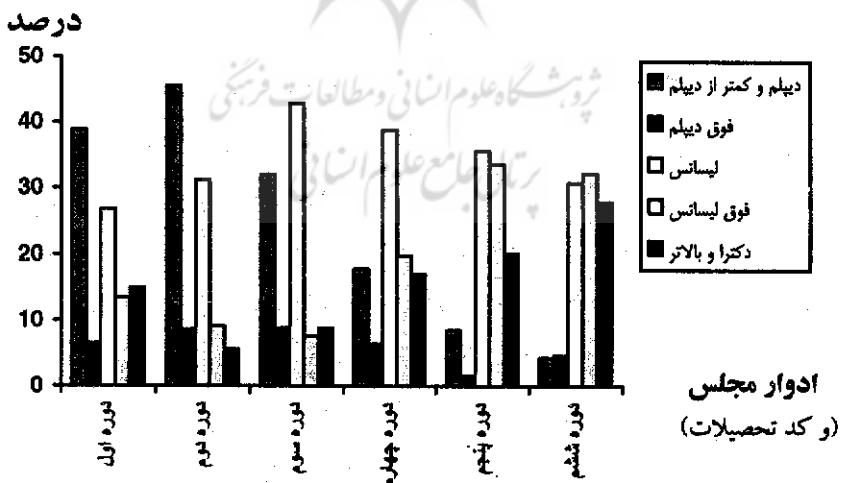
۱- دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی یا جدید (شامل کسانی که مدارک خود را از طریق دانشگاهها و مراکز آموزش عالی داخل و یا خارج از کشور کسب کرده اند)

بررسی برخی از ویژگی های اجتماعی نمایندگان مجلس... ۴۱/

۲- دارندگان مدارک تحصیلی حوزوی یا قدیم (شامل کسانی که مدارک خود را از طریق حوزه های علمیه داخل و یا خارج از کشور کسب کرده اند)

جدول شماره ۳: توزیع نمایندگان مجلس از نظر میزان تحصیلات جدید<sup>۱</sup>

کد تحصیلات	دوره های مجلس							جمع کل
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	میزان تحصیلات	
۱	۱۰۰	۱۰۵	۸۰	۴۴	۲۱	۱۲	۳۶۲	دیپلم و کمتر از دیپلم
	۲۸/۳	۴۵/۴	۳۲	۱۷/۸	۸/۵	۴/۳	(۲۳/۹)	
۲	۱۷	۵۷	۲۰	۲۲	۱۶	۱۳	۹۲	فوق دیپلم
	۶/۵	۲۰/۵	۸/۶	۸/۸	۶/۴	۶/۴	(۶/۱)	
۳	۷۰	۷۲	۱۰۷	۹۶	۸۸	۸۶	۵۱۹	لیسانس
	۲۶/۸	۳۱/۲	۴۲/۸	۳۸/۸	۳۵/۶	۳۰/۸	(۳۴/۲)	
۴	۳۵	۲۱	۱۹	۴۹	۸۳	۹۰	۳۹۶	فوق لیسانس
	۱۳/۴	۹/۱	۷/۶	۱۹/۸	۳۳/۶	۳۲/۲	(۱۹/۵)	
۵	۳۹	۱۳	۲۲	۴۲	۵۰	۷۸	۲۴۴	دکتری و بالاتر
	۱۴/۹	۵/۶	۸/۸	۱۷	۲۰/۲	۲۷/۲	(۱۶/۱)	
جمع	۲۶۱	۲۳۱	۲۵۰	۲۴۷	۲۴۶	۲۷۹	۱۵۱۵	



۱- جدول شماره سه و نمودار مربوط با استفاده از آمار و ارقام موجود در کتاب: معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی (مجموعه شش جلدی) (۱۳۸۲ و ۱۳۷۸ و ۱۳۶۸ و ۱۳۶۴)، روابط عمومی مجلس تهیه شده است.

۲- به علت اینکه تعدادی از نمایندگان میزان تحصیلات خود را اعلام نکرده اند بنابراین جمع جدول (۱۵۱۵) با جمع نمایندگان شش دوره مجلس (۱۷۲۶) نفر برابر نیست.

از جدول شماره‌ی سه و نمودار مربوط به آن نتایج زیر استنباط می‌شود:

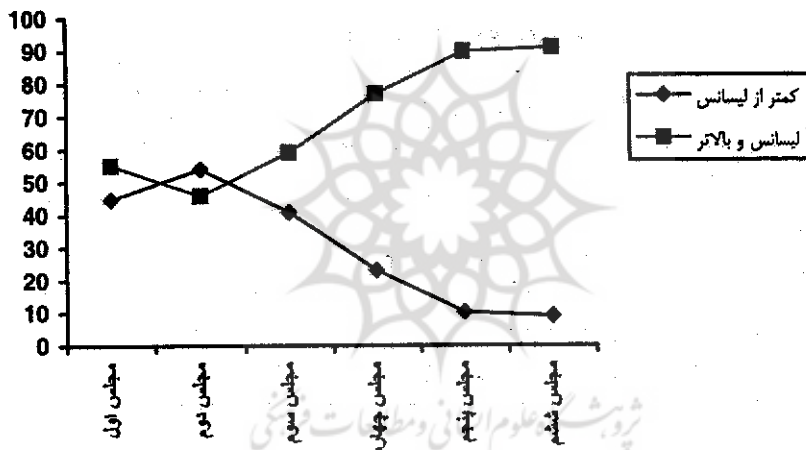
الف- از تعداد نمایندگان که در دوره‌های اول و دوم دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و پایین‌تر بوده‌اند، در دوره‌های بعدی مجلس به شدت کاسته شده است و بر تعداد نمایندگان دارای مدارک تحصیلی بالاتر افزوده شده است. میزان این افزایش برای نمایندگان دارای مدارک تحصیلی عالی (لیسانس، فوق لیسانس و دکترا) متفاوت بوده است، به طوری که دارندگان مدرک تحصیلی لیسانس در دوره‌های سوم، چهارم و پنجم و ششم مجلس به ترتیب  $۴۲/۸$ ،  $۳۸/۸$ ،  $۳۵/۶$  و  $۳۰/۸$  درصد بوده است و در مورد دارندگان مدرک فوق لیسانس اگرچه در مجلس دوم و سوم کاهش نسبتاً زیادی به چشم می‌خورد، اما در مجالس چهارم و پنجم و ششم افزایش بسیار زیادی به ترتیب  $۱۹/۸$ ،  $۳۳/۶$  و  $۳۲/۲$  درصد مشاهده می‌شود. همین روند تا حدودی در خصوص نمایندگان دارای مدرک دکتری و بالاتر نیز صدق می‌کند. در حالی که تعداد نمایندگان دارای مدرک دکتری و بالاتر در دوره‌های دوم و سوم مجلس کاهش یافته، این تعداد در مجالس چهارم و پنجم و ششم افزایش چشمگیری داشته (بخصوص در دوره‌ی ششم) که این افزایش به ترتیب  $۱۷$ ،  $۲۰/۲$  و  $۲۷/۲$  درصد بوده است.

ب- در دوره‌های اول و دوم مجلس بیشترین تعداد نمایندگان (نما) از نظر مدرک تحصیلی دیپلم و کمتر از دیپلم بوده است. اما در دوره‌های سوم و چهارم نما به نمایندگان دارای مدرک لیسانس تعلق داشته که از این لحاظ این روند از مجلس اول تا مجلس سوم سیری صعودی طی کرده و از آن پس از میزان آن کاسته شده است با این توضیح که این کاهش با افزایش تعداد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس (فوق لیسانی و دکتری) جبران شده است.

ج- در حالیکه مجلس اول دارای ترکیب نسبتاً متنوعی از شخصیت‌ها با انواع مدارک تحصیلی و تخصص‌ها می‌باشد، این وضعیت در دوره بعدی (مجلس دوم) تا اندازه‌ی زیادی تغییر کرده است. به دیگر سخن، از میزان و تعداد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی جدید کاسته شده و به جای آن بر تعداد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر یا تحصیلکردگان علوم دینی و حوزوی افزوده شده است. جدول شماره سه این مطلب را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: توزیع نمایندگان شش دوره‌ی مجلس از نظر مدارک تحصیلی بالاتر و پایین‌تر از لیسانس

دوره‌های مجلس مدارک تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع کل
کمتر از لیسانس	۱۱۷	۱۲۵	۱۰۲	۵۶	۲۵	۲۵	۴۵۰ (۲۹/۸)
لیسانس و بالاتر	۴۴/۸	۵۴/۱	۴۰/۸	۲۳	۱۰/۲	۹	۱۰۶۰ (۷۰/۲)
جمع	۲۶۱	۲۳۱	۲۵۰	۲۴۳	۲۴۶	۲۷۹	۱۵۱۰



با توجه به جدول شماره‌ی چهار و نمودار فوق مشاهده می‌شود که در دوره‌های اخیر بویژه در دوره‌های پنجم و ششم، بر تعداد نمایندگان دارای تحصیلات عالی (جدید) افزوده شده است. بدیهی است که نمی‌توان سایر عواملی را که در افزایش تعداد فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی و دانشگاهی در طی این مدت در سراسر کشور مؤثر بوده‌اند، از نظر دور داشت. در این ارتباط میتوان به عوامل زیر اشاره کرد: توسعه و گسترش مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی حتی در دورافتاده‌ترین مناطق کشور، افزایش ظرفیت این مراکز بخصوص دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایجاد دوره‌های شبانه در دانشگاهها، مراکز آموزش ضمن خدمت فرهنگیان، مراکز آموزش عالی تحت نظارت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دانشکده‌های وابسته به بعضی از وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای دولتی (که از ضوابط وزارت تحقیقات، علوم و فناوری پیروی نمی‌کنند و خارج

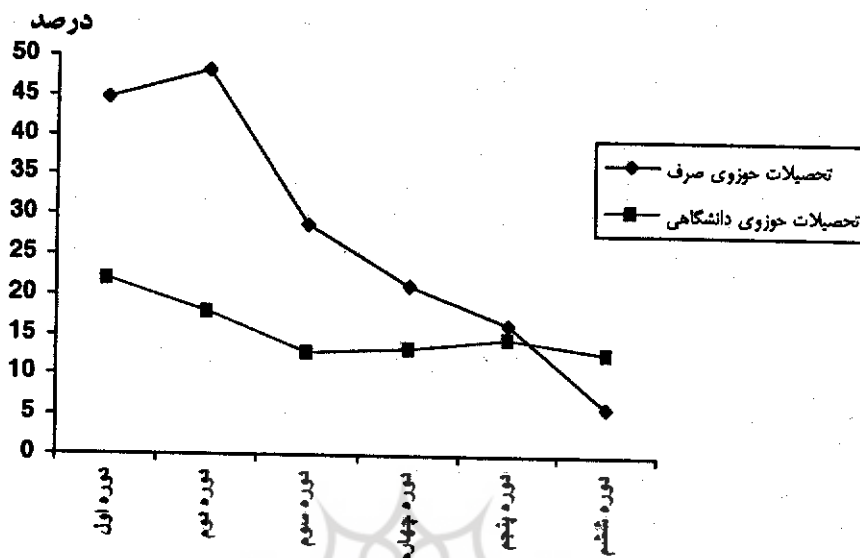
از قوانین و مقررات این وزارتخانه به تأسیس مراکز آموزش نیروی انسانی و ایجاد رشته‌های جدید دانشگاهی در مقطع کاردانی، کارشناسی و بعضاً کارشناسی ارشد و دکترا اقدام کرده و براساس شرایط و صلاحیت‌های ویژه یا صلاحیت‌مسئولان و مدیران عالی رتبه، اقدام به پذیرش دانشجو و سرانجام تولید مدرک تحصیلی نموده‌اند.

## توزیع نمایندگان از نظر میزان تحصیلات حوزوی (بدون تحصیلات دانشگاهی و با تحصیلات دانشگاهی)<sup>۱</sup>

جدول شماره ۵: توزیع نمایندگان شش دوره مجلس از نظر میزان یا سطح تحصیلات حوزوی (قدیم)

جمع کل	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	دوره‌های مجلس
							نوع و میزان تحصیلات
۴۸۱ (۲۷/۸)	۱۸ ۶	۴۵ ۱۶/۴	۵۸ ۲۱/۱	۸۰ ۲۸/۷	۱۳۴ ۴۸/۳	۱۴۶ ۴۴/۶	۱- تحصیلات حوزوی بدون تحصیلات دانشگاهی (جدید) درصد
۹	۰	۰	۲	۶	۰	۱	الف- مقدمات
۸۹	۳	۱۲	۱۱	۱۶	۲۳	۲۴	ب- سطح
۲۷۷	۱۲	۱۹	۳۲	۴۱	۸۸	۸۵	ج- خارج، فقه و اصول
۱۰۶	۳	۱۴	۱۳	۱۷	۲۳	۳۶	د- اجتهاد
۲۷۳ ۱۵/۸	۳۸ ۱۲/۸	۴۰ ۱۴/۶	۳۷ ۱۳/۵	۳۶ ۱۲/۹	۵۰ ۱۸	۷۲ ۲۲	۲- تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (قدیم و جدید) درصد
۷۶	۵	۱۱	۱۳	۱۲	۱۰	۲۵	الف- مقدمات
۹۰	۱۲	۱۳	۱۰	۱۲	۱۹	۲۴	ب- سطح
۸۷	۱۷	۱۵	۱۱	۱۰	۱۷	۱۷	ج- خارج، فقه و اصول
۲۰	۴	۱	۳	۲	۴	۶	د- اجتهاد
۷۵۴	۵۸	۸۵	۹۵	۱۱۶	۱۸۴	۲۱۸	جمع
۴۳/۶	۱۸/۹	۳۱	۳۴/۶	۴۱/۷	۶۶/۴	۶۶/۶	نسبت نمایندگان دارای تحصیلات حوزوی به کل نمایندگان
۱۷۲۶	۲۹۶	۲۷۴	۲۷۴	۲۷۸	۲۷۷	۳۲۷	کل نمایندگان هر دوره مجلس

۱- در این بخش ابتدا تعداد نمایندگان که فقط دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند، بطور جداگانه محاسبه شده و سپس به همراه نمایندگان که هم دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند و هم دارای تحصیلات دانشگاهی، در جدول شماره پنج نمایش داده شده است. توضیح اینکه آماري که در بخش تحصیلات دانشگاهی و حوزوی آمده در جدول شماره سه نیز قبلاً محاسبه شده است.



بر اساس جدول شماره‌ی پنج و نمودار مربوط نتایج زیر بدست می‌آید:

۱- از نسبت نمایندگان که دارای تحصیلات حوزوی هستند به کل نمایندگان در طی شش دوره‌ی مجلس کاسته شده است، این کاهش بیشتر برای آن عده از نمایندگان مصداق دارد که فقط تحصیلات حوزوی داشته و دارای تحصیلات عالی جدید نبوده‌اند.

۲- روند تغییر (افزایش یا کاهش) تعداد نمایندگان برای آن دسته از نمایندگان که هم دارای تحصیلات حوزوی بوده و هم دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی، به گونه‌ای کاملاً متفاوت با دسته‌ی قبلی (یعنی نمایندگان که فقط تحصیلات حوزوی داشتند) صورت گرفته است. بعبارت دیگر، اگر از تعداد نمایندگان دارای مدارک تحصیلی حوزوی در طی شش دوره‌ی مجلس (بجز دوره‌ی دوم) کاسته شده است و از ۴۴/۶ درصد در مجلس اول و ۴۸/۳ درصد در مجلس دوم به ۶ درصد در مجلس ششم رسیده است، در عوض تعداد نمایندگان که هم دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند و هم تحصیلات دانشگاهی، طی سه دوره‌ی اول تا سوم کاهش یافته (از ۲۲ درصد به ۱۲/۹ درصد) ولی این روند در دوره‌های چهارم و پنجم سیر صعودی پیدا کرده (به ترتیب ۱۳/۵ و ۱۴/۵ درصد) و دوباره در دوره‌ی ششم مجلس کاهش یافته است (۱۲/۸ درصد). این مساله گویای این مطلب است که از یک طرف مردم بعنوان انتخاب کنندگان یا رأی دهندگان، به کسانی که هم دارای تخصص در علوم و فنون جدید و هم عالم به علوم دینی هستند، برای حل و فصل مسایل و مشکلات جامعه بیشتر ایمان و اعتقاد پیدا کرده‌اند تا به کسانی که فقط به علوم دینی

احاطه دارند و از علوم و فنون جدید بی اطلاع یا کم اطلاع هستند. از طرف دیگر، خود روحانیان (یعنی کسانی که عمدتاً تحصیلات حوزوی داشته‌اند) به علوم جدید و دانشگاهی علاقه نشان داده‌اند و گواه این ادعا وجود چندین مرکز آموزش عالی در شهر قم است که تمامی آنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عمدتاً در دهه‌های دوم و سوم بعد از انقلاب پدید آمده و تعدادی از آنها حتی تحت سرپرستی حوزه‌ی علمیه قم قرار دارند و فقط طلاب و روحانیان در این مراکز به تحصیل علوم جدید می‌پردازند.<sup>۱</sup>

۳- «نما» در بین نمایندگان دارای تحصیلات حوزوی در هر شش دوره‌ی مجلس در خارج، فقه و اصول است اما در بین نمایندگان دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی برای هر دوره‌ی مجلس «نما» متفاوت است. در دوره‌ی اول «مقدمات» و در دوره‌های دوم و سوم «سطح» و در دوره‌ی چهارم «مقدمات» و در دوره‌های پنجم و ششم «خارج، فقه و اصول» بوده است و این تغییر یکی از نشانه‌های بالا رفتن میزان انتظارات مردم (بعنوان انتخاب کنندگان) از نمایندگان خود است که هر قدر جامعه رو به پیشرفت و ترقی می‌رود و پیچیدگی مسایل جامعه و جهان بیشتر می‌شود، به متخصصان و عالمان مبرزتری در همه‌ی زمینه‌ها احساس نیاز می‌شود. در عین حال می‌توان این روند را حاصل افزایش سطح سواد و معلومات طلاب و روحانیون حوزه‌ها و احساس نیاز آنها به فراگیری علوم و فنون دانشگاهی دانست.

۴- جدول شماره‌ی پنج و نیز جدول شماره‌ی شش، مبین کاهش شدید تعداد نمایندگان روحانی (معمّم) مجلس است، به گونه‌ای که نسبت نمایندگان معمّم از ۵۰/۴ درصد در دوره‌ی اول و ۵۵/۲ درصد مجلس دوم به ۱۲/۱ درصد در مجلس ششم رسیده است.

### جدول شماره‌ی ۶: توزیع تعداد و درصد نمایندگان روحانی (معمّم)

#### در شش دوره‌ی مجلس

دوره‌های مجلس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع
تعداد روحانیون	۱۶۵	۱۵۲	۸۵	۶۵	۵۴	۳۶	۵۵۸
درصد	۵۰/۴	۵۵/۲	۳۰/۵	۲۳/۷	۱۹/۷	۱۲/۱	۳۲/۳
تعداد کل نمایندگان در هر دوره	۳۲۷	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۴	۲۷۴	۲۹۶	۱۷۲۶

۱- برای مثال برخی از این مراکز عبارتند از: دانشگاه مفید، موسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی (ره)، دانشکده فقه و اصول، دانشکده ادیان و مذاهب، مؤسسه باقر العلوم وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه الزهرا و...



با توجه به جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعداد روحانیان به نسبت سایر گروه‌ها و طبقات، بیشتر بوده است و بنابراین با گذشت زمان از تعداد نمایندگان روحانی که عمدتاً به علوم حوزوی احاطه داشته‌اند، کاسته شده و بجای آن بر تعداد متخصصان، کارشناسان و تکنوکرات‌های جدید افزوده شده است. این امر مبین افزایش مقبولیت گروه‌های مرجع مدرن (دانشگاهیان و روشنفکران) است (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۳۱۸).

### توزیع نمایندگان از نظر رشته‌های تحصیلی دانشگاهی

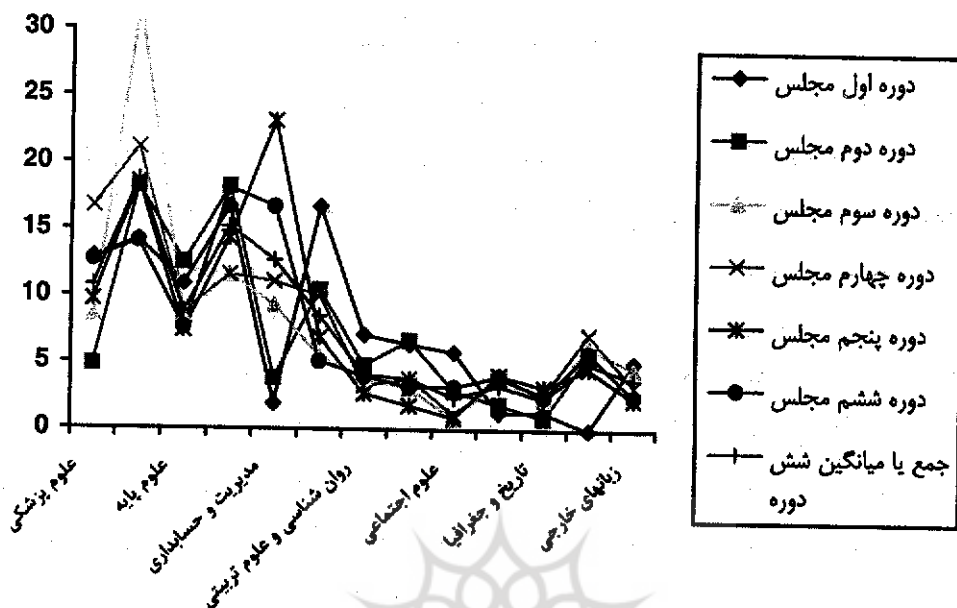
نیاز مجلس به صاحب‌نظران و کارشناسان گوناگونی که بتوانند در ارتباط با طرح‌ها و لوایح، دیدگاه‌های کارشناسی خود را ارایه کنند و تصمیم‌های دقیق و کارشناسانه اتخاذ نمایند، از اهمیت زیادی برخوردار است. جدول شماره هفت که رشته‌های تحصیلی نمایندگان مجلس را در طی شش دوره نشان می‌دهد، امکان مقایسه مجلس‌های یاد شده را از لحاظ مدارک و تخصص‌های موجود فرا چنگ می‌آورد.

از جدول شماره‌ی هفت و نمودار مربوط این نتایج بدست می‌آید:

۱- آنچه در نگاه اول جلب نظر می‌کند تعداد نسبتاً زیاد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی در رشته‌های فنی و مهندسی است که در اکثر دوره‌های مجلس بالاترین تعداد (مد) را داراست. شاید یکی از دلایل عمده پذیرفته شدن این افراد در مجلس عنوان «مهندس» است که در هنگام تبلیغات انتخاباتی و قبل از نام و نام خانوادگی افراد، بسیار زیاد از آن استفاده می‌شود و عامه‌ی مردم بر این تصورند که «مهندسان» (جدای از نوع رشته‌ی مهندسی، دانشگاه محل تحصیل، میزان سواد و...) قابلیت‌ها و توانایی‌های بیشتری نسبت به سایر تحصیل‌کردگان دارند و همین تصور باعث شده که همین «مهندسان» (نمایندگان دارای مدرک فنی و مهندسی) نه فقط در ارتباط با رشته‌ی تحصیلی خود بلکه در سایر رشته‌های تحصیلی به خصوص مقولات سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حقوقی و سایر موضوع‌های مرتبط به رشته‌های گوناگون علوم انسانی نیز اظهار نظر کرده و بعضاً خود را صاحب نظر نیز بدانند و متأسفانه در بخش مدیریت کلان جامعه نیز از آنها و نظرات بعضاً غیر کارشناسانه‌شان، استفاده‌ی فراوان شده و می‌شود.

از جدول شماره هفت و نمودار مربوط این نتایج بدست می‌آید:





۲- روند افزایش تعداد نمایندگان که دارای مدرک تحصیلی در رشته‌های مدیریت و حسابداری (بویژه مدیریت) می‌باشند، نیز قابل ملاحظه است. شمار این گونه نمایندگان از ۳ نفر در دوره اول مجلس به ۴۶ نفر در مجلس ششم افزایش یافته است (۱۵ برابر). برای این افزایش شدید دلایلی چند وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که یک مورد از سایر موارد مهم‌تر است و آن اینکه تعداد قابل توجهی از نمایندگان که دارای مدرک مدیریت می‌باشند، عمدتاً در سطح کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) است و محل اخذ این مدرک نیز سازمان مدیریت دولتی وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور (نام پیشین) و یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (نام کنونی) است. صرف‌نظر از فلسفه‌ی پیدایش چنین مرکز یا مراکزی در کشور و کیفیت و نوع آموزشها، دروس، زمان تشکیل کلاسها، اساتید و... (که همگی قابل بحث و بررسی است) ظرفیت پذیرش این مرکز که در اکثر مراکز استانها نیز دارای شعبه است، قابل تأمل بیشتری است.

۳- افزایش تعداد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی در مجلس باعث فعالیت و تخصصی‌تر شدن کمیسیونهای حقوقی و قضایی و اصل نمود (رسیدگی به شکایات مردم ...) و همچنین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گردیده است و این امر، هم در ارتباط با مسایل و روابط داخلی و هم در ارتباط با مسایل و سیاست خارجی، موفقیت‌ها و پیشرفتهایی را در پی داشته است. در ارتباط با مسایل داخلی باید اذعان کرد به مسایل و مشکلات

و دعاوی مردم در ارتباط با سازمانها و ادارات و محاکم قضایی بهتر و بیشتر رسیدگی می شود و اهمیت به قانون و قانون مداری و رعایت حقوق شهروندان سرلوحه‌ی انجام بسیاری از شعارها و عملکردهای مسئولین شده است. در ارتباط با سیاست خارجی، مجلس به‌مراه مجموعه‌ی دولت و بخصوص شخص رئیس جمهور و وزارت خارجه، موفقیت‌های بسیاری در صحنه‌ی منطقه‌ای و جهانی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورده‌اند. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و هیأت‌های دوستی پارلمانی ایران و سایر کشورها، در دوره‌های اخیر مبادلات و نشست‌های خوبی داشته‌اند که نتایج مثبتی را به دنبال داشته است. از جمله سیاست تنش‌زدایی در منطقه و در جهان، اعتماد سازی در میان کشورهای عمدتاً عرب همسایه با ایران و تغییر نگرش دولتهای منطقه نسبت به ایران (از یک کشور دشمن که قصد صدور انقلاب اسلامی و براندازی رژیمهای پادشاهی منطقه را دارد به یک کشور دوست) و انعقاد پیمان‌های امنیتی دو جانبه با بعضی از کشورها از جمله عربستان سعودی.

شاید بعضی افراد یا گروهها معتقد باشند که این موفقیت حاصل کار دولت بوده است، اما در واقع بدون هدایت، حمایت و پشتیبانی مجلس چنین موقعیت‌هایی با این وسعت، با دشواری فراچنگ می‌آمد.

۴- روند افزایش تعداد نمایندگان که دارای مدرک تحصیلی در رشته علوم اقتصادی هستند، بسیار کند بوده است. شمار این قبیل نمایندگان، در طی شش دوره‌ی مجلس از دو نفر در دوره‌ی اول به یازده نفر در مجلس ششم رسیده است (یعنی ۵/۵ برابر افزایش یافته است). همین روند کند و کمبود متخصصین اقتصاد در مجلس باعث شده که در مورد طرحها و لوایح اقتصادی ارایه شده به مجلس، برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه، کار کارشناسی و تخصصی بخوبی و در حد لازم انجام نشود. نتیجه اینکه طرحهای بلند مدت و کوتاه مدت اقتصادی که توسط دولت به مجلس ارایه می‌شود، بدون رفع نواقص به تصویب می‌رسد و بسیاری از آنها حداقل انتظار طراحان و مصوبان آنها را برآورده نمی‌کند. برای مثال در مبحث بودجه‌ی سالیانه، دولت در بیشتر سالها با کسر بودجه مواجه بوده است (خواه زمانی که قیمت هر بشکه نفت خام در بازار جهانی کمتر از ۱۰ دلار بوده و خواه وقتی که بیشتر از ۳۰ دلار) و همین مشکل در اواخر سال مالی، پرداخت حقوق وعیدی کارکنان دولت و یا تکمیل طرحهای عمرانی را با مشکل جدی مواجه ساخته است (البته این کسر بودجه بیماری تاریخی اقتصاد کشور ماست و به این راحتی برطرف نخواهد شد) (رضاقلی، ۱۳۸۱: ۱۳۱-۱۳۰).

۵- نمایندگان گانی که دارای مدرک تحصیلی در رشته‌های علوم اجتماعی بوده‌اند، از ۹ نفر در مجلس اول به ۲ نفر در مجلس دوره‌ی پنجم کاهش یافته و مجدداً در دوره‌ی ششم به همان ۹ نفر رسیده است و این در حالی است که مسایل و مشکلات اجتماعی نسبت به گذشته هم بیشتر و هم پیچیده‌تر شده است. یکی از این مسایل افزایش جرم و بزهکاری در جامعه است. معاون فرهنگی تربیتی زندان‌های کشور محاسبه کرده که در هر ۵۲ ثانیه یک نفر راهی زندان می‌شود و بین خروجی‌ها و تعداد واردین به زندان هیچ تناسبی وجود ندارد (نراقی، ۱۳۸۱: ۸۶).

یکی دیگر از مسایل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه (که البته فقط به ایران اختصاص ندارد، بلکه گریبانگیر اکثریت قریب به اتفاق کشورهای توسعه‌یافته است) فرار مغزها است که متأسفانه تاکنون هیچ راهی برای برون رفت از این معضل پیدا نشده است. سبب این است که اکثر قوانین مصوب با رعایت تمامی جوانب، همراه با کارشناسی و استفاده از نظر مشاوران و کارشناسان خبره (به ویژه کارشناسان اجتماعی) به تصویب نرسیده و در این قوانین بجای مبارزه با علل مسایل و دشواریهای اجتماعی و فرهنگی، به جنگ با معلولها پرداخته شده است.

عکس العمل مجلس پنجم به مساله استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای از جمله همین مسایل اجتماعی است.

۶- تعداد نمایندگان دارای مدرک تحصیلی علوم پزشکی در طی این شش دوره فراز و فرودهایی داشته، اما در مجموع، با توجه به کمیسیون «بهداشت و درمان» در مجلس که طبق اصول باید از متخصصان این رشته‌ها تشکیل شود و به چاره‌اندیشی برای رفع مسایل و مشکلات بهداشتی و درمانی جامعه پردازد، تعداد نمایندگان گانی که دارای این نوع تخصص‌ها هستند در مجلس (در مقایسه با تعداد اعضای دیگر ۱۵ کمیسیون مجلس) زیاد است.

وجود بیش از حد پزشکان و جراحان و... در مجلس که اکثراً نیز از تخصص بالایی برخوردارند، زیانمایی را برای جامعه بدنبال دارد، زیرا از یک طرف، مردم از خدمات تخصصی و سودمند ایشان محروم می‌شوند و از طرف دیگر، وجود بیش از حد پزشکان و سایر متخصصان علوم پزشکی در مجلس راهیابی سایر متخصصین و کارشناسان را به مجلس محدود می‌کند.

عوامل زیادی در راهیابی پزشکان به مجلس مؤثر بوده و هست که مهمترین آنها عبارت است از:

- شهرت بسیاری از آنان در ارتباط با نوع تخصص شان.

- بهره مندی از عنوان «دکتر» در تبلیغات انتخاباتی.

- صراحت لهجه و بیان کاندیداهای پزشکی در اعلام مواضع سیاسی و اجتماعی. این صراحت به طور عمده از آنجا ناشی می‌شود که نامزدهای پزشکی از لحاظ درآمدی وابستگی چندانی به دولت، حکومت و منابع حکومتی ندارند.

### توزیع نمایندگان شش دوره‌ی مجلس از نظر سابقه‌ی نمایندگی در مجلس

نخست آن دسته از نمایندگان که در هر شش دوره‌ی مجلس حضور داشته‌اند، سپس نمایندگانی که از دوره‌ی قبل به دوره‌ی بعدی راه یافته‌اند و سرانجام تعداد نمایندگانی که در دو یا چند دوره‌ی مجلس حضور داشته‌اند در قالب جداول نشان داده می‌شود.

#### جدول شماره‌ی ۱-۸: توزیع نمایندگان از نظر سابقه‌ی نمایندگی (نمایندگانی که از دوره‌ی اول به دوره‌های بعدی راه یافته‌اند)

دوره‌های مجلس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع
تعداد	۳۲۷	۱۰۶	۳۹	۱۲	۶	۱	۱۶۴
درصد	۱۰۰	۳۸/۲	۱۴	۲/۲	۲/۲	۰/۳	۹/۵

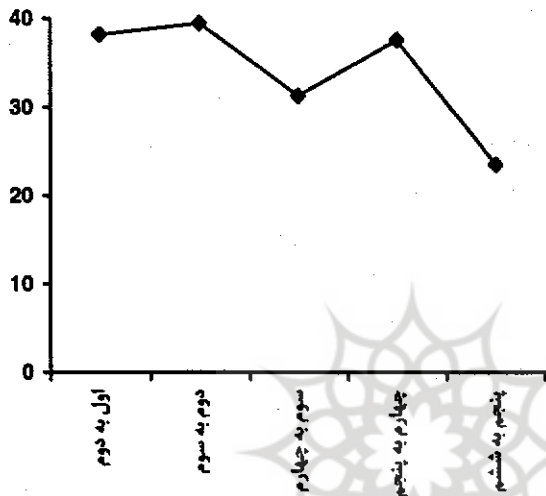
از تعداد ۳۲۷ نماینده‌ی دوره‌ی اول مجلس، ۳۳ نفر در اثر عملیات بمب گذاری و حملات تروریستی به شهادت رسیدند، ۱۶ نفر از سمت نمایندگی استعفا داده و به سمت‌های دیگر منصوب شدند، ۶ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند یا بواسطه بیماری و کهولت فوت کردند و بالاخره ۹ نفر از سمت نمایندگی استعفا دادند.

از ۲۶۳ نفر باقیمانده، ۱۰۶ نفر مجدداً در دوره‌ی دوم مجلس انتخاب شدند. از این ۱۰۶ نفر ۳۹ نفر برای بار سوم در مجلس پذیرفته شدند. این سیر نزولی در دوره‌های چهارم، پنجم و ششم مجلس ادامه یافت و به ترتیب ۱۲، ۶ و ۱ نفر از نمایندگان دوره‌ی اول به دوره‌های یاد شده راه یافتند. به دیگر سخن یک نفر از نمایندگان مجلس ششم (سید محمود دعایی) در تمامی دوره‌های شش گانه حضور داشته است.

#### جدول شماره ۲-۸: توزیع نمایندگان که از یک دوره‌ی قبلی به دوره‌ی بعدی مجلس راه یافته‌اند.

دوره‌های مجلس	اول به دوم	دوم به سوم	سوم به چهارم	چهارم به پنجم	پنجم به ششم	جمع
تعداد	۱۰۶	۱۱۰	۸۶	۱۰۳	۷۰	۴۷۵
درصد	۳۸/۲	۳۹/۵	۳۱/۳	۳۷/۶	۲۳/۶	۲۷/۵

با در نظر گرفتن تعداد کل نمایندگان شش دوره‌ی مجلس شورای اسلامی (۱۷۲۶) مجموعاً ۴۷۵ نماینده از دوره‌ی قبلی به دوره‌ی بعدی راه یافته‌اند که نسبت محاسبه شده ۲۷/۵ درصد می‌باشد (به عبارت دیگر،  $۴۷۵ \div ۱۷۲۶ = ۲۷/۵\%$ ).



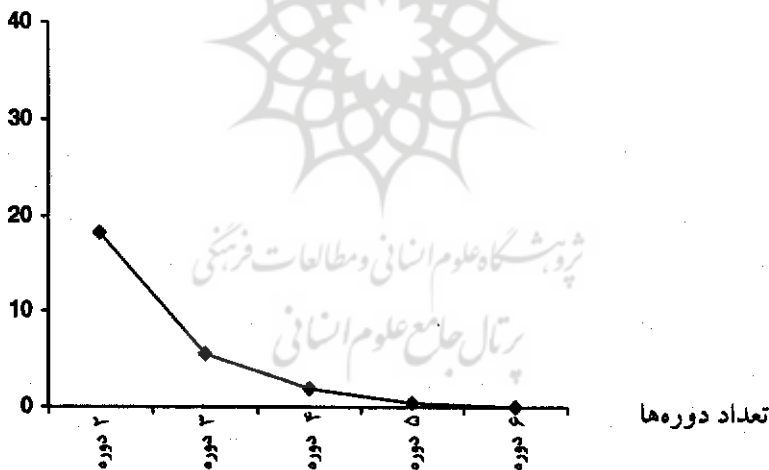
جدول ۲-۸ و نمودار صفحه قبل نشان می‌دهد که در دوره‌های دوم و سوم تعداد و درصد قابل توجهی از نمایندگان دوره‌ی جدید از دوره‌ی قبلی به مجلس راه یافته‌اند. در دوره‌ی چهارم و دوره‌ی ششم مجلس، تعداد راه یافتگان از دوره‌ی قبلی به دوره‌ی جدید، نسبت به سایر دوره‌ها، کاهش چشمگیری داشته است. دلایل متعددی را می‌توان برای این مساله ذکر کرد. به نظر می‌رسد علت اصلی، به رقابت بین دو جناح اصلی داخل حاکمیت (جناح چپ و جناح راست)، قدرت گرفتن جناح راست و رد صلاحیت‌های نامزدهای جناح چپ توسط شورای نگهبان برای انتخابات دوره‌ی چهارم مربوط می‌شود. البته ناخرسندی مردم از سیاستها و برنامه‌های جناح چپ در دوره‌های قبلی (قبل از مجلس چهارم) نیز در این مساله بی‌تأثیر نبوده است.

همین ناخرسندی و عدم اقبال مردم در انتخابات دوره‌ی ششم گریبانگیر جناح راست شد و شعارهای پرجاذبه‌ای که جناح چپ برای اولین بار در تاریخ انقلاب اسلامی مطرح کرد و بشدت مورد توجه مردم، بویژه جوانان قرار گرفت، موجب شد که تعداد زیادی از نمایندگان مجلس پنجم (عمدتاً از جناح راست) به دوره‌ی ششم راه نیابند.

نتیجه‌ی دیگری که از جدول یاد شده بدست می‌آید، این است که هر نماینده‌ی مجلس به طرز متوسط ۲۷/۵ درصد احتمال دارد در صورتی که برای دوره‌ی بعدی مجلس نامزد شود، در رقابت انتخاباتی پیروز شود (جدول ۸/۲) و این میزان احتمال نسبتاً بالا، هزینه‌ها و خطرات ناشی از عدم موفقیت در انتخابات را برای آنها بسیار پایین می‌آورد و آنها را به نامزد شدن در دوره‌های بعدی تشویق می‌کند.

جدول ۳-۸: توزیع نمایندگانی که در دو یا چند دوره‌ی مجلس به طور متوالی یا متناوب حضور داشته‌اند.

دوره‌ها	دوره ۲	دوره ۳	دوره ۴	دوره ۵	دوره ۶	جمع
تعداد نماینده‌ها	۳۱۳	۹۷	۳۳	۷	۱	۴۵۱
درصد (نسبت به کل نمایندگان)	۱۸/۱	۵/۶	۱/۹	۰/۴	۰/۰۵	۲۶/۱



از بررسی این جدول و مطالعه شخصیت نمایندگانی که در دوره‌های متوالی و متناوب حضور داشته‌اند در می‌یابیم که این عده تقریباً به همان نسلی تعلق دارند که اصطلاحاً به «نسل اول انقلاب» شهرت یافته است، همان کسانی که از حوادث گوناگون سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مانند بمب گذاری‌ها، حملات تروریستی، جبهه و جنگ و... جان سالم بدر برده‌اند و احساس می‌کنند که انقلاب و نظام هنوز به سر منزل مقصود نرسیده و به حضور فعال و مداوم آنان در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌ها بخصوص عرصه قانونگذاری و تصمیم‌گیریهای اساسی



جامعه، نیاز دارد. اینان گمان می‌کنند، با تجاربی که طی این مدت بدست آورده‌اند، اگر در جایگاه نمایندگان و کرسی‌ها و سمت‌های حساس تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری قرار بگیرند، بهتر می‌توانند منافع و مصالح نظام و کشور را در نظر بگیرند و به انقلاب و کشور خدمت نمایند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف از این مقاله آن بود که در یابیم در روزگاران اخیر، پس از تغییر حکومت و تدوین قانون اساسی جدید که اصل حاکمیت مردم را برسمیت شناخته است، چه افراد یا گروه‌های اجتماعی از قدرت سیاسی برخوردار شده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بموجب اصل تفکیک قوا، قدرت سیاسی، به سه شعبه مستقل و مجزا یعنی قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضاییه تجزیه می‌شود که قوه‌ی مقننه یا مجلس در نظام جمهوری اسلامی از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار است و یکی از مظاهر جمهوریت نظام محسوب می‌شود.

از مجموعه‌ی بررسی‌ها و مطالعات انجام شده برمی‌آید که ترکیب هیأت قانونگذاری یا نمایندگان مجلس در هر دوره، با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ایران، دگرگون شده و گروه‌ها و یا نمایندگانی بر سر کار آمده‌اند که نماینده‌ی تحولات و اوضاع و احوال عصر خود بوده‌اند، به سخن دیگر، میان دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و ترکیب اجتماعی نمایندگان مجلس تقارن و توازن برقرار است.

به گونه‌ای که مشاهده شد، از نظر ترکیب سنی، بیشتر نمایندگان دوره‌های اخیر، از گروه‌های سنی میانسال و با تجربه تشکیل شده است.

از نظر ترکیب جنسی، سهم زنان تا حدودی بیشتر شده است.

از نظر تحصیلات، اکثریت با نمایندگان دارای تحصیلات جدید و در دوره‌های اخیر با مدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر بوده است. در حالیکه در دوره‌های دوم و سوم مجلس (و تا حدودی در دوره‌ی اول) نمایندگان عضو کمیسیونهای تخصصی مجلس از تجربه و تخصص لازم برخوردار نبودند، این وضعیت در دوره‌های اخیر (دوره‌های چهارم، پنجم و ششم) تغییر کرده و کمیسیونها تا حد زیادی از افراد صاحب تخصص ترکیب یافته‌اند.

در ارتباط با سابقه نمایندگی قابل ذکر است که در دوره‌های اخیر در مقایسه با دوره‌های پیشین احتمال اینکه یک نماینده از دوره‌ی قبلی به دوره‌ی بعدی مجلس راه یابد کمتر شده است

و این فرصت‌ها برای نمایندگان که دارای تحصیلات جدید و بالاتر بوده‌اند و همچنین برای نمایندگان جوان‌تر بیشتر بوده است.

بطور کلی، روند تغییر و تحول در گروه‌های اجتماعی، با دگرگونی در اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه متناسب بوده است.

بدیهی است تحلیل حاضر بطور عمده به ویژگی‌های اجتماعی نمایندگان ادوار گوناگون مجلس شورای اسلامی و دگرگونی‌های مربوط به آن محدود می‌شود و ابعاد سیاسی مربوط به انتخابات و شیوه‌ی تعیین صلاحیت نمایندگان از مقولاتی است که از چارچوب و حوصله‌ی مقاله‌ها حاضر بیرون است.

### پیشنهادات

۱- قانون انتخابات کشور، یک قانون انتخابات بسته و انقباضی است که حضور افراد و گروه‌های باصطلاح غیر خودی را در انتخابات محدود و یا به بیان بهتر دشوار می‌کند. بنابراین به عنوان اولین گام تغییر و یا اصلاح قانون انتخابات کشور پیشنهاد می‌شود. الف- با اصلاح قانون انتخابات امکان‌ناپذیر شدن و تأیید صلاحیت افراد شایسته و کاردان، فارغ از وابستگی‌های سیاسی و جناحی فراهم می‌شود و بدینوسیله هم امکان انتخاب برای مردم بیشتر می‌شود و هم مجلس می‌تواند از تخصص‌ها و توانایی‌های این افراد (مستقل) برای قانونگذاری و نظارت بر سایر قوا بیشتر استفاده نماید.

ب- شرایط سنی انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان پس از مطالعه و بررسی‌های دقیق و فارغ از ملاحظات مقطعی سیاسی تعیین شود.

ج- میزان تحصیلات نمایندگان از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا تعیین حداقل تحصیلات و تشویق و ترغیب متخصصان و تحصیل کرده‌گان در بخش‌های گوناگون جامعه جهت کاندید شدن توصیه می‌شود. تحقق این امر می‌تواند به بالا بردن سطح مذاکرات و نوع تصمیم‌گیری‌ها در مجلس نمایندگان مدد رساند.

د- برای اجتناب از افراط و تفریط در تبلیغات و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی صاحبان ثروت و مکتب، لازم است جهت انجام تبلیغات انتخاباتی، محدودیتهای حداکثری تعیین شود

تا از این طریق قشرهای خدوم و تحصیلکرده که احیاناً از منابع مالی زیادی برخوردار نیستند، امکان راه یافتن به مجلس را بیابند و داشتن منابع مالی به شرطی اصلی برای انتخاب شدن تبدیل نشود.

۲- حذف مجامع و شوراهایی که به موازات مجلس، در زمینه‌های مختلف قانونگذاری می‌کنند. به نظر می‌رسد که فلسفه وجودی بسیاری از این مجامع و شوراها در مرحله اول دادن مشورت به نهادها و مسئولین رده بالای نظام بوده ولی کم کم بعضی از آنها پا را از این فراتر گذاشته و به تصویب قانون و خلق مقررات نیز پرداخته‌اند- قوانین و مقرراتی که در تمامی وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادهای دولتی لازم الاجرا و در مواردی با مصوبات مجلس شورای اسلامی در تضاد بوده است. این امر در شرایطی اتفاق می‌افتد که مجلس شورای اسلامی کمیسیونهای تخصصی متفاوتی وجود دارد که مطالعه هر موضوع و مشکلی و حل و فصل آن و در مواردی وضع قانون را می‌توان به آنها ارجاع داد. بنابراین، وجود شوراهایی همانند شورای اقتصاد، شورای انقلاب فرهنگی و... در کنار کمیسیونهای اقتصادی، فرهنگی، آموزش و تحقیقات و... نمی‌تواند از اعتبار برخوردار باشد. شاید شوراهایی از این دست در گذشته، کارکرد مثبتی برای نظام داشته‌اند، ولی در حال حاضر نه فقط کارکرد مثبتی ندارند بلکه دچار کژکارکردی نیز شده‌اند.

## منابع

- ۱- اتحادیه (نظام مافی) منصوره، مجلس و انتخابات- از مشروطه تا پایان قاجار - تهران - نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۲- اسامی نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی (سال چهارم) - اداره روابط عمومی و امور اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ۳- رضاقلی علی، جامعه شناسی نخبه کشی - تهران - نشر نی - چاپ نوزدهم، ۱۳۸۱.
- ۴- رفیع پور فرامرزی، توسعه و تضاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی - چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۵- سائلی کرده ده مجید، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۶- شجیعی زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین، اسماعیل احمدی و حمیدرضا شیرانی، اصفهان، انتشارات پویش اندیشه، ۱۳۸۲.

- ۸- کتابی، محمود و قاسمی، وحید، نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان، مطالعه موردی شهر اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، پائیز ۱۳۸۲.
- ۹- معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ۱۳۶۴.
- ۱۰- معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ۱۳۶۸.
- ۱۱- معرفی نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ۱۳۸۲.
- ۱۲- معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی تا پایان دوره پنجم قانونگذاری، تهیه و تنظیم: اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۷۸.
- ۱۳- نراقی حسن، چرا در مانده ایم؟ جامعه شناسی خودمانی، تهران، نشر اختران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۱۴- نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ۱۳۶۴.
- ۱۵- همایون کاتوزیان، محمدعلی، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علی رضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.